

تک برگی راه کار گر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر یکشنبه 13 مهر ماه 1382 - 05 اکتبر 2003 شماره 172

پیرامون اولتیماتوم آژانس بین المللی انرژی هسته ای

آرش کمانگر

قسمت اول

در برخورد با بحران اخیر در روابط ایران با آژانس بین المللی اتمی و موضعگیری و واکنش بسیاری از کشورهای غربی در برابر آن. اولین نکته مهمی که به ذهن خطور می کند، این است که: آیا کشور ما به انرژی هسته ای و فعالیت های اتمی نیاز دارد یا نه؟ از نقطه نظر مصالح مربوط به حفظ محیط زیست و نیز سلامتی مردم، استفاده از مواد رادیو اکتیو و به اصطلاح قدرت هسته ای (خواه برای مقاصد صلح آمیز و خواه برای مقاصد جنگی) یکی از نابخردانه ترین کارهایست که بشریت معاصر و دولتهایی که حفظ طبیعت و اجتماع، جانی در معادلات سیاسی آنها ندارد، به آن دست یازیده اند. یک نیرو گاه هسته ای برای تولید انرژی، نیازمند سوختی از نوع " اورانیوم غنی شده" است که هیچگاه تماماً نمی سوزد و باید پس از مدتی این اورانیوم نیم سوخته را از نیروگاه بیرون کشید و برای دفن این ماده خطر ناک چاره ای اندیشید. امروزه مسئله دفن زباله های اتمی بدل به یکی از مهمترین چالش های بشریت برای جلوگیری از آلوده گی بیشتر خاک و کره زمین شده است. مواد آغشته به تشعشعات خطر ناک، سمی و سرطان زای رادیو اکتیو، حتی بعد از دفن نیز به مدت دهها سال، خاصیت مخرب خود را حفظ می کنند. بعلاوه حمل و دفن آنها، یکی از پرهزینه ترین کارها محسوب می شود. ضمن اینکه صرفنظر از معضل زباله های اتمی، خطر نشست رادیو اکتیو از راکتورهای نیروگاه های هسته ای نیز همواره وجود دارد که در صورت بروز، جان هزاران نفر از مردم ساکن منطقه را به

خطر خواهد انداخت و تاثیرات بسیار مخربی بر زندگی گیاهی ناحیه مذکور بجای خواهد گذاشت که دهها سال طول می کشد تا اثرات جانبی آن - نسل به نسل- از بین برود. فاجعه نیروگاه چرنوبیل در اوکراین، نمونه ای از این گونه عواقب فاجعه بار فعالیت

ادامه در صفحه 2

ادوارد سعید درگذشت! بهر روز فراهانی



پنجشنبه 25 سپتامبر، ادوارد سعید، یکی از درخشان ترین روشنفکران فلسطینی، پس از 12 سال مبارزه با بیماری سرطان در سن 68 سالگی در نیویورک درگذشت. او که در اورشلیم در یک خانواده مسیحی فلسطینی بدنیا آمده بود از همان کودکی بامشکلات سرزمین فلسطین آشنا بود و علی رغم رفاه خانواده، بعد از اجبار به مهاجرت، خود را هم در دیگر آوارگان فلسطینی می دانست مادر او هرگز حاضر نشد ملیت دیگری را بپذیرد. و خود را تا آخر عمر یک «پناهنده فلسطینی» می دانست و این بی تردید بر ذهن حساس ادوارد تاثیر پابرجایی گذاشته بود. ادوارد سعید جوان پس از طی دوران تحصیل متوسطه به امریکارفت و در آنجا ماندگار شد. در همانجا استاد دانشگاه

ادامه در صفحه 3

پیرامون نظر خواهی تک برگی

جمهوری اسلامی و انرژی هسته ای!

سپهر برابر در صفحه 4

زن ستیزی جمهوری اسلامی حد و مرز ندارد!

شهناز بیات

افسانه نوروزی که سال 1997 به منظور حفاظت و دفاع از خود در مقابل تجاوز، رئیس حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جزیره کیش را به قتل رساند و در جنوب ایران دستگیر شد از آن زمان تا کنون در زندان بندر عباس در شرایط بسیار بدی به سر میبرد طوری که همسر وی مصطفی جهانگیری به کمیسیون اصل نود مجلس شکایت کرده است.

طبق ماده 61 قانون مجازات اسلامی هر کس در مقام دفاع از نفس یا ناموس مرتکب جرم شود قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود. اما افسانه نوروزی نتوانسته از این ماده قانونی استفاده کند و از حکم اعدام و قصاص رهایی یابد. حکم اعدام وی توسط شورای عالی قضایی تایید شده است.

حکم ناعادلانه و جنایتکارانه قوه قضائیه چنان افکار عمومی بین المللی را تحریک کرده که حتی چند تن از نمایندگان زن مجلس هم هفتم مهر در نامه خود به رئیس قوه قضائیه از «احساس نفوذ در پرونده» سخن رانده اند و خواستار رفع ظلم از وی شده اند. (ایلنا 8 مهر) مدت زیادی نیست که دیوان عالی کشور در خصوص متهمان قتلهای محفلی کرمان، رأی دادگاه این شهر را رد می کند و اظهار می دارد متهمان افرادی متدین هستند و تشخیص شان در مورد مهدورالدم بودن مقتولین اشتباه نبوده است و به این استناد رأی دادگاه جنایی را نمی پذیرد. این نمونه ای آشکار از تبعیض نهادینه شده و سیاست یک بام و دو هوای جمهوری اسلامی است، چرا قاتلان محفلی کرمان که مردم را ربوده، شکنجه و

ادامه در صفحه 3

پیرامون اولتیماتوم آژانس بین المللی انرژی هسته ای

ادامه از صفحه 1

صدور تروریسم و بنیاد گرایی اسلامی به خارج، جزئی تفکیک ناپذیر از ماهیت ارتجاعی آن محسوب می شود.

دومین نکته ای که باید مورد ملاحظه و بررسی قرار گیرد، همانحاقنیت یا عدم حقایق فشارهای آمریکا و آژانس بین المللی انرژی اتمی بر ایران است؟!

تردیدی نیست که این عرصه از فعالیت، بشری، همچون بسیاری از عرصه های دیگر آغشته به تبعیض و نابرابری است. زمانی که در 1957 سازمان بین المللی موسوم به " آژانس جهانی انرژی اتمی" توسط پنج قدرت هسته ای آن دوره یعنی آمریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه و چین بنیان گذاشته شد، بدلیل مقتضیات ناشی از حفظ صلح در بطن دوران جنگ سرد میان بلوک شرق و غرب، این اقدام تا حدودی مثبت تلقی می شد چون کانالی برای حفظ تماس و ارتباط بین طرفهای رقیب در دو قطب جهانی بود تا از این ابعاد تنش و مسابقه تسلیحاتی بکاهد، اقدامی که در 1963 منجر به عقد توافقنامه ای میان آنها برای ممنوعیت هر نوع آزمایش هسته ای جدید شد. موافقتنامه ای که البته هیچگاه به اجرا در نیامد و همه آنها بطور مخفیانه به تکمیل و گسترش زرادخانه اتمی خود مشغول بودند.

در پی این شکست، آنها با الهام از تبعیض نهادینه شده در شورای امنیت سازمان ملل که به پنج کشور مذکور حق وتومیدهد، تصمیم گرفتند که ضمن برسمیت شناختن حق انحصاری خود برای داشتن سلاحهای اتمی، با همکاری یکدیگر مانع از دسترسی حکومتهای جدید به این سلاح شوند. بر همین مینا در سال 1968 قرار داد منع گسترش تسلیحات هسته ای" به امضای آنها و دهها کشور دیگر که فاقد این سلاح بودند- نظیر ایران - رسید. اما همین قرار داد نیز مراعات نشد. کشورهای اسرائیل و پاکستان با کمک مستقیم و غیر مستقیم آمریکا صاحب سلاح اتمی شدند و کشورهایی چون هند و کره شمالی نیز به آن دست یافتند. ضمن اینکه خود آمریکا، با طرح " جنگ ستاره گان"

البته اگر ادعای هردو رژیم، مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را باور کنیم؟! حال آنکه میدانیم هر دو رژیم در رویای دست یابی به بمب اتمی بوده اند و احداث نیرو گاه بوشهر، صرفاً پوششی برای تدارک مقدمات کار بوده است. اما یک بمب اتمی، بجای آنکه به "دشمنان" ما ضربه بزند، تنها جان دهها و صدها هزار انسان بیگناه را می گیرد و این خاصیت همه سلاح های کشتار جمعی، نظیر: هسته ای، شیمایی و میکروبی است. کما اینکه دیدیم انداختن بمب های اتمی بر هیروشیما و ناکازاکی در آگوست 1945 توسط آمریکا، بجای آنکه جان امپراتور و دولت مداران و جنگ سالاران ژاپنی را بگیرد، سبب مرگ دهها هزار انسان و ویرانی شهرهای مذکور شد. اثرات آن جنایت هولناک، نیم قرن پس از وقوع نیز دست از سر مردم این دو شهر و سلامتی فرزندان آنها بر نمی دارد.

و یا وقتی رژیم صدام برای سرکوب پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق، شهر حلبچه را بمباران شیمیایی نمود، این تنها هزاران تن از زنان، کودکان و مردم بی دفاع حلبچه بودند که جان خود را در استنشاق گازهای سمی از دست دادند. بگذریم که حتی اگر رژیم ایران به بمب اتمی دست یابد، ممکن است با آن بتواند برخی کشور های همسایه را بترساند، اما تأثیری روی " شیطان بزرگ" که هزاران کیلومتر از ایران فاصله دارد، نخواهد داشت ضمن اینکه با تکنولوژی پیشرفته آمریکا، هر کلاهک هسته ای قبل از رسیدن به هدف، ممکن است بر فراز خاک ایران توسط سیستم ضد موشکی منفجر شود و " دودش به چشم خود ما برود"!!!

بنابراین هم از نقطه نظر منافع محیط زیست و هم از نقطه نظر مصالح انسانی، اجتماعی و اقتصادی باید با هر نوع فعالیت هسته ای و سرو کار پیدا کردن کشور ما با مواد کشنده رادیو اکتیو (چه برای مقاصد صلح آمیز و چه برای مقاصد فخر آمیز) به شدت مقابله کرد.

بخصوص با تلاش های رژیم بغایت ماجراجوی جمهوری اسلامی که سرکوب افسار گسیخته مردم در داخل کشور و

هسته ای می باشد. این نیرو گاهها، اگر توسط زلزله، سوانح طبیعی و اشتباهات فنی و انسانی، آسیب نبینند، ممکن است در موقع منازعات جنگی، هدف مناسبی برای رقیب، جهت وارد کردن خسارت گسترده برای تسلیم حریف باشند. بویژه نیروگاه بوشهر که به راحتی می تواند هدف حملات جنگی قرار گیرد. معلوم نیست رژیم محمد رضا پهلوی بر مبنای کدام ارزیابی سوق الجیشی تصمیم گرفت این نیروگاه را در مجاورت آبهای جنوبی ایران احداث کند که حتی یک کشتی جنگی نیز بتواند براحتی آنرا با موشک مورد هدف قرار دهد. اما جدا از عواقب فاجعه بار طبیعی و انسانی چنین فعالیتی، از نقطه نظر اقتصادی و از جمله نیاز کشور ما به انرژی نیز وارد شدن رژیم شاه و سپس رژیم اسلامی به چنین عرصه ای خطر ناک و پر هزینه جهت تولید برق، عملی کاملاً نابخردانه بوده است. در کشوری که منابع عظیمی از نفت و گاز دارد و بعلاوه هنوز از انرژی خورشیدی بهره ای نگرفته و از امکانات آبی نیز به اندازه کافی استفاده نشده است، روی آوردن به فعالیت هسته ای جهت تولید انرژی، یک بلند پروازی بی مزه و یک حماقت محض محسوب می شود. در طول حدود سه دهه ای که از آغاز احداث نیروگاه بوشهر می گذرد، دهها میلیارد دلار و تومان صرف آن شده بی آنکه حتی یک ذره برق تولید کرده باشد.

ایران جدا از منابع انرژی زائی چون نفت، آب، باد و خورشید، دارای دومین ذخایر شناخته شده گاز طبیعی جهان است. میزان منابع گاز ایران 5 تریلیون اسکونرفیت (حدود 1700 میلیارد متر مکعب) تخمین رده می شود، حال آنکه هنوز اکثر مناطق کشور از لوله کشی گاز محرومند. سوخت گاز به مراتب از سوخت نفت و بنزین و غیره و بویژه از سوخت اتمی، تمیزتر و برای محیط زیست، بهتر است. بنابراین دور زدن این منبع سرشار انرژی، قابل دسترس و ارزان توسط رژیم های پهلوی و اسلامی، یکی از بدترین سیاست های این حکومت قلمداد می شود.



نیمی از جمعیت ایران هدف همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. در حالی که بخشی از رژیم متظاهران در مقابل الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان در

پاسخ به جنبش پیش رونده زنان، دم از پیوستن به موافقتنامه میزنند، بخش دیگر به سرکردگی خامنه ای و شورای نگهبان صلاح نمی بیند کوچکترین قدمی عقب نشینی کنند. گشت های پلیس همراه یک قاضی در خیابانهای قم راه می اندازند و جوانان را در جا محاکمه کرده و شلاق می زنند. در همین راستاست که در مشهد زنان بد حجاب را دستگیر و به دو ماه حبس و پانصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم می کنند (اعتماد 31 شهریور) ویا هر روز برای اجرای دقیقتر طرح عقاب برنامه ریزی می نمایند.

ادوارد سعید ادامه از صفحه 1



کلمبیا در رشته ادبیات تطبیقی شد و دست به مطالعات عظیمی درباره خاورمیانه و بویژه "شرق شناسی" در غرب زد، سعید از منتقدان بی پروای شرق شناسی بود که "شرق را انطور که غرب می خواست" تصویر می کردند و معتقد بود که این نوع شرق شناسی، مایه تئوریک استعمار کهن و نورا فراهم می آورد، کتاب عظیم او در انتقاد به این نوع شرق شناسی، اعتبار و دید پر قدرت او را در رابطه مناسبات "کشورهای مرکز" و خاورمیانه بخوبی نشان داده و برای همیشه جایگاه ویژه ای به او می دهد، ادوارد سعید تا آخر عمر یک مبارز خستگی ناپذیر ضد استعماری و ضد امپریالیستی بود و در این راه نیش قلم زهر آگینش را نثار نظریه پردازانی

رژیمی که بنا به قوانین مردسالارانه زن را مطیع و مختص شوهر می خواهد و زن خاصی را سنگسار می کند و دستی باز در تیرنه قاتلان دارد، چگونه است که از حکم قصاص افسانه نروزی که در دفاع از خود مرتکب قتل شده کوتاه نمی آید؟ موضوعی که در این پرونده قابل توجه است، همانا خودی بودن مقتول این پرونده یعنی رئیس حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی کیش به اندازه خودی بودن قاتلان محفلی کرمان و یا سعید عسگر (ضارب حجاریان) است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در حالت دفاعی در مقابل مردم قرار گرفته و ترسش از این است که اگر از نیروهای خودی حمایت لازم را به عمل نیاورد در ابزار و نیروی سرکوبش خلل ایجاد شده و کنترل از دستش خارج گردد. در ارتباط با حمایت از همین بدنه ها و سرکوبگر است که وقتی سلیمان پور تروریست در لندن دستگیر میشود، از تیر اندازی به سفارت انگلیس گرفته تا معاملات و گفتگوهای پنهانی، هر کاری امکان داشت انجام دادند. نیروهای خودی، کسانی که جیره و مواجب می گیرند تا با ربودن، شکنجه و کشتن، مردم را مرعوب کنند نباید ناامید شوند. جمهوری اسلامی در سر اشیبی سقوط به این نیروها احتیاج فراوان دارد. اگر آنها نتوانند روی حمایت و پشتیبانی خودی ها حساب کنند و اگر قدمی در مقابل مردم عقب نشینی کنند آنگاه است که سیلاب ریشه شان را از روی زمین خواهد کند.

تائید حکم اعدام افسانه نروزی را بایستی در راستای مقابله با مردم و به ویژه زنان ارزیابی کرد. انقلابی زنانه در راه است. استقرار جمهوری اسلامی با حمله به حقوق زنان آغاز شد. زنان به صورت مداوم تحت ستم مضاعف این رژیم قرار داشته اند اما به همان میزان مقاومت مدنی زنان و جنبش آنها در راستای دفاع از مطالبات فمینیستی گسترش بیشتری پیدا میکند؛ بر بستر چنین مقاومت شورانگیزی است که دیوان لانه کرده در دیوان عالی کشور میخوانند با اعدام درسی و عبرتی به همه زنان ایران بدهند؛ مضمون این پیام این است: مازنان را! کشتزار مردان میدانیم لذا هر نوع تلاش برای نفی و رد این رهنمود الهی، مستوجب عقوبت دنیوی و اخروی است!! حقوق زنان پاشنه اشیل این حکومت شده است. به انقیاد کشاندن و زمین گیر کردن

که از دوره ریگان مطرح شد و اکنون پنتاگون سخت شیفته آن است و نیز با استفاده از سلاح ها و بمب های حاوی "اورانیوم" تقلیل داده شده" در جنگ خلیج (عملیات توفان صحرا در 1991) و نیز در جنگ اخیر علیه عراق، بارها نشان داده که نه تنها به پروتکل مذکور وفا دار نیست بلکه در جهان تک قطبی شده امروز، به شیوه قدرمنشانه ای، می خواهد ضمن حفظ و گسترش موقعیت اتمی ویژه خود، با بهانه و بدون بهانه، سیاست های خود را به کشور های دیگر دیکته کند. بنابراین اعمال فشار بر ایران، در حالیکه دو تا از دوستان آمریکا در منطقه - اسرائیل و پاکستان - در دو طرف کشور ما صاحب سلاح هسته ای میباشند، نمونه ای بارز از یک سیاست تبعیض آمیز و مبتنی بر معیارهای دو گانه (دابل استاندارد) است. از اینرو افشای چنین مناسبات و روشهایی در عرصه بین المللی، بخشی جدائی ناپذیر از مبارزه بشریت مترقی برای رسیدن به برابری و جهانی عاری از تبعیض می باشد. در این راستا مقابله با بهانه جوئیهای جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و دفاع از صلح پایدار و خلع سلاح کامل همه کشور ها - بویژه نابودی تمامی سلاح های کشتار انبوه نظیر تسلیحات شیمیایی، اتمی و میکروبی - باید به جزئی جدائی ناپذیر از مبارزه بشریت مترقی و عدالت خواه برای آرمانهای نیکوی انسانی تبدیل شود. (ادامه دارد)

زن ستیزی جمهوری اسلامی ادامه از صفحه 1

بالا می کشند باید تیرنه شوند و افسانه نروزی که در دفاع از حیثیت خود مرتکب قتل شده است حکم اعدامش تأیید می شود؟ علت آن در ماهیت ضد مردمی و زن ستیزانه جمهوری اسلامی نهفته است، که هیچ مشروعیت مردمی ندارد و تنها با قتل و ترور و اعدام و ارباب سر پا مانده است. سازمان عفو بین الملل تا کنون 83 مورد اعدام در سال جاری در ایران ثبت کرده است. اگر چه احتمال می رود رقم واقعی بسیار بالاتر باشد (سایت روشنگری) از آنجا که این رژیم در حال احتضار تنها موجودیت و ادامه بقایش برایش مهم است در درون خود نیز دچار تناقض شده است طوری که خود را متعهد و پایبند به اجرای قوانینی که خود وضع کرده هم نمی داند. حکم متهمان بنا به نزدیکی و دوری آنها به دستگاه مسلط صادر می شود. سر هم بندی پرونده قتل های زنجیره ای و تیرنه قاتلان و ضاربان کوی دانشگاه نیز از همین دست است.

می کرد که برای سلطه امپریالیستی خوراک تئوریک فراهم می کردند .
 در این بین جدال بیست ساله اوبا شرق شناس معروف " برنارد لوئیس" زبان زد همگان است و او چقدر خوب دیده بود چراکه امروزه برنارد لوئیس تبدیل به "بت تئوریک" نئو امپریالیستی نواستعمارگران است که در کاخ سفید و وزارت دفاع آمریکا خیمه زده اند ، سمینارهای آقای برنارد لوئیس ، پیش از حمله به عراق و برای توجیه و آماده کردن این حمله ، زبانه زد خاص و عام است ، همین به تنهایی کافی است که جایگاه سعید را به ما نشان دهد ، اما او تنها منتقد سلطه گران امپریالیسم غرب نبود بلکه از مخالفان سرسخت دیکتاتوریهای فاسد حاکم بر کشورهای عرب بود و بی امان آنها را افشا می کرد ، پس از تشکیل دولت موقت فلسطین ، او مدتی در شورای عالی فلسطین کار کرد اما بدلیل اختلاف نظر بر سر مسائل مهم ، از جمله نحوه مذاکره با اسرائیل ، از این کار استعفا داد ، او در انتقاد به عرفات و یارانش و بوروکراسی نوینی که در حال شکل گیری است هرگز خود را سانسور نکرد ، همین باعث شد که برای مدتی کوتاه آثار او در فلسطین ممنوع شوند ، آثاری که همواره در اسرائیل ممنوع بوده اند ! او که دوستان یهودی تبار بسیاری داشت ، علیرغم انتقاد به لزوم صلح و گذر از یک دوران همزیستی دو دولت فلسطین و اسرائیل و در آرزوی پیدایش یک دولت واحد در خاک فلسطین بعنوان اولین دولت واقعا لائیک خاورمیانه که در آن اعراب و یهودیان با هم زندگی کنند ، با روند صلح اسلو مخالف بود و آن را مطابق با منافع ملت فلسطین نمی دانست او می گفت دولت فعلی اسرائیل هرگز هیچ دولتی را به معنای واقعی نخواهد پذیرفت مگر آنکه به آن مجبور شود و این از راه مذاکره نمی گذرد ، با درگذشت ادوارد سعید ، خلق فلسطین ، جهان عرب و جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی یکی از درخشان ترین چهره های روشنفکری خود را از دست داد ، یک " شرق شناس " ، " یک مبارز خستگی ناپذیر " ، " یک مدافع پیگیر آزادیهای دمکراتیک و عدالت اجتماعی " ، یک موسیقی شناس

بزرگ" او هر هفته نقد موسیقی در نشریه "ملت" می نوشت و یک پیانیست چیره دست ، به یک کلام ؛ یک روشنفکر و سیاستمدار چند بعدی و نادر! باشد تا روزی در فلسطین آزاد، دانشگاهی را به نام " ادوارد سعید " مفتخر کنند .

پیرامون نظر خواهی تک برگی

سپهر برابر

جمهوری

اسلامی و انرژی هسته ای!

باید اذعان کرد دو طرف ماجرای انرژی هسته ای ایران ، بنیادگرایان در کاخ سفید و جماران هستند که هر دو طرف نامطلوب و ضد بشر و ناهقند ، از انجائیکه کاخ سفید در پی تسلط کامل بر منابع نفتی دنیاست و با تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه و سقوط صدام و تکمیل محاصره ایران ، بدنبال تسلط بر منطقه و تضمین سلطه اش برای سالها بر جهان است < برای دستیابی به چنین تسلطی ، تحریم اقتصادی ، دامن زدن بر تحریکات سیاسی و دیپلماتیک ، حمله نظامی ، اپوزسیونسازی ، و ... را در نظر دارد ، و در سویی دیگر رژیم به غایت جنایتکار حاکم است که جزء به باقی ماندن در حکومت ، به هیچ چیز دیگر نمی اندیشد و با از دست دادن مشروعیتش ، تنها راه بقاء خود را در داخل با سرکوب عریان و درمقابل خطر خارجی ، تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته ای برای بازدارندگی تهدیدات می بیند .

برای رژیمی که شهروندان خود را با وحشیانه ترین شکل ممکن شکنجه ، اعدام و سرکوب میکند ، در اختیار داشتن سلاح اتمی ، تنها بر ضد منافع امریکا و اسرائیل نیست ، بلکه خطری وحشتناک برای بشریت می تواند باشد .
 سلاح اتمی خطری است برای جامعه

بشری ، نه تنها باید با تولید ان مبارزه کرد بلکه باید با فشار مردم از ادیخواه دنیا به کشورهاییکه چنین سلاحهایی در اختیار دارند ، آنها را تشویق یا مجبور به

نابودی اینگونه سلاحها کرد .
 این حقانیت وجود ندارد که به بهانه مبارزه با امپریالیسم به تولید چنین سلاحهای مخربی که فقط به قصد نابودی حیات بشری ساخته می شود را توجیه کنیم ، باید راه کار مبارزه با غارتگران و تجاوزگران امپریالیستی را در به صحنه کشاندن مردم از ادیخواه و برابری طلب جهان جستجو کرد ، هر چند که می دانیم نظام حاکم بر دنیا بر اساس نابرابریها و بی عدالتیها بر پا شده و کشورهاییکه اینگونه تسلیحات را دارند خود با این سلاحها به تهدید و ارباب دیگران می پردازند ، ولی ما باید بر منافع واقعی مردم ایران و دنیا که به سود ارزشهای انسانی و دمکراتیک و دنیای عاری از توحش و یکه تازی زورگویان و قلدربابان باشد ، بکوبیم .

تجربه عراق نشان داد که امریکا با بهانه گیری های مختلف و غیر واقعی به دنبال نابودی مردم منطقه است ، با تحریم ها ، کودکان ، بیماران ، سالمندان ، زنان ، ... بزرگترین ضربات را خواهند خورد ، زیر ساختهای اقتصادی و اجتماعی نابود میشوند و کشور بسوی هرج و مرج و کشتار انسانهای بی گناه می رود ، فرصتهای بازسازی و پیشرفت را از دست خواهد داد و خصوصتهای قومی ، محلی ، مذهبی در شرایط نا امنی اوج می گیرد ، و هیچکدام آنها به سود منافع مردم ما نخواهد بود .

این در حالیستکه جمهوری اسلامی به سویی پیش می رود که با چنین تحریمها بی روبرو خواهد شد و بهانه ای برای سرکوب بیشتر مردم در اختیار خواهد داشت ، برای اپوزسیون چپ و دمکرات و از ادیخواه که بر حقوق و آزادیهای دمکراتیک و عدالتخواه اکثریت مردم متمرکز است ، راهی جزء حمایت و گسترش جنبش مستقل صلح طلبی که بر پایه افشاگری و فشار بر هر دو طرف مخامصه باشد ، وجود ندارد و این جنبش از ادیخواهانه و ضد مداخله خارجی در داخل ایران می تواند از حمایت میلیونها انسانهای ازاده دنیا بر خوردار شود و راه را بر تجاوزگران امپریالیست و جانین جمهوری اسلامی ببندد .

نپرداختن حقوق و دستمزد کارگران جرم و جنایت است

بالا کشیدن دستمزدها و عدم پرداخت ماهها حقوق کارگران، مساوی است با گرسنگی، فقر و تنگدستی کارگر و خانواده کارگران؛ مساوی است با نداشتن پولی برای ثبت نام فرزندان در مدارس و عدم توانایی در تهیه لوازم و البسه برای فرزندان؛ مساوی است با مشکلات خانوادگی، اعتیاد و خودکشی. به این لحاظ اگر نپرداختن دستمزد کارگران جرم و جنایت نیست؛ پس چیست؟

مسئله دستمزدهای معوقه، مسئله کلی طبقه کارگر ایران است. مشکل این کارخانه و کارگاه، این حرفه و آن حرفه نیست. مشکل کل کارگران و مزد بگیران ایران است. عدم پرداخت دستمزدها، بیکار سازیها و مجبور کردن کارگران به باز خرید و اجرای گسترده و رسمی بیکاری، سیاستی است که در سراسر ایران سالهاست به اجرا در آمده است و از حمایت رسمی و علنی دستگاه حکومتی برخوردار است.

هزاران قربانی گمنام، خاموش و بیصدا از دست رفته اند و هزاران خانواده بخاطر مشکلات اقتصادی و معیشتی متلاشی شده اند و فرجامی جز گرسنگی و فقر دهشتناک نداشته اند. خودکشی کارگر اهوازی و مرگ جوان ملایری نمونه هایی از خروار است. نمونه مثالی گویا از جنایتی است که در حق کارگران و مزد بگیران ایران می شود.

علیه این جنایت سازمان یافته و سیاست ضد انسانی باید ایستاد. کارگران و مزد بگیران ایران می بایست با دفاع از کارگرانی که حقوق شان پرداخت نشده، علیه اخراج و بیکار سازیها و برای بیمه بیکاری برای تمام افراد آماده بکار، بعنوان یک حق طبیعی و انسانی و برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار متحد شوند.

این تنها راهی است که می تواند رژیم اسلامی و کارفرمایان را وادار به عقب نشینی از این سیاست ضد انسانی کند.

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر
دوم اکتبر 2003 / 10 مهر 82

خودکشی کارگر اهوازی، در ساختمان اداری گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، در اعتراض به عدم دریافت 4 ماه حقوق و دستمزدش و مشکلات شدید مالی و بیماری همسرش، هر چه بیشتر و روشنتر نشان داد که چگونه رژیم اسلامی و کارفرمایان با عدم پرداخت حقوق و دستمزد کارگران، دست به جنایت در حق کارگران ایران می زند. بیش از این، مرگ کارگر جوان ملایری زیر تیغ جراحی " اهدا " کلیه، زنگها را به صدا در آورده بود.

همگان میدانند که اگر کارگر یکماه اجاره خانه اش را نپردازد، از خانه بیرونش می کنند و اگر پول آب و برق را نپردازد آنرا قطع می کنند و اگر پولی در جیب نداشته باشد هیچ شام و نهار در سفره خانواده اش تقسیم نخواهد شد. اما سرمایه دار می تواند در جمهوری اسلامی، ماهها دستمزد کارگران را بالا کشیده و پس از آن کارگر را اخراج کند و جز در حمایت از " سرمایه گذاریش " چیزی نمی شنود و حتی در حمایت از سرمایه دار و کارفرما، نیروی انتظامی و امنیتی اسلامی حاضر و آماده است که حرکت اعتراضی کارگران را خاموش کند. کارگر اما باید برای تأمین مایحتاج زندگی خود به فروش نه تنها اسباب و اثاثیه زندگی، بلکه اعضای بدن خویش و بخصوص کلیه اش دست بزند.

لیست نپرداختن دستمزدها در سراسر کشور، در مطبوعات و رسانه ها هر روز شمرده می شود: کارگران نساجی پارس ایران رشت، چهار ماه است که دستمزدشان پرداخت نشده است؛ کارگران شرکت پوشین گستر رشت 8 ماه است که حقوق نگرفته اند؛ کارگران معدن سرب و روی کوشک چهار ماه است که حقوقشان پرداخت نشده است؛ کارگران شرکت فاریاب، کارگران ایران برك، کارگران کابل باختر، کارگران قطعات فولادی کرج، صنعتی بهشهر و..... این لیست، طولانی است از دهها و شاید صدها هزار کارگر ایرانی، که دستمزد ناچیزشان توسط دولت و کارفرمایان بالا کشیده می شود و مالاخور می شود.

اعتراضات کارگری ادامه دارد

پس از هفت روز اعتراض و تحصن کارگران معادن و شهرداری بافق، برای دریافت حقوق و دستمزدهای معوقه:

اینک یکصد نفر از کارگران قراردادی شهرداری بناب در اعتراض به حکم اخراج و دستمزدهای پرداخت نشده، در مقابل شهرداری این شهر تجمع کرده اند. سه ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده و کارگران در

موقعیت بسیار اسفناکی بسر می برند. این تجمع اعتراضی، پس از قول و رسیدگی به خواست کارگران و با دخالت مأموران انتظامی و امنیتی رژیم پایان یافت.

در همین حال 150 نفر از کارگران فصلی قند شاهرود در مقابل درب کارخانه تحصن کرده و خواهان رسمی شدن استخدام خود در کارخانه هستند. کارگران اعلام کرده اند که حاضر به کار موقت فصلی نیستند. شرایط کاری که فقط در هر سال، سه ماه و نیم زندگی آنان را تأمین می کند. کارگران

خواهان استخدام، رسمی شدن خود هستند. این خبر می افزاید که اعتراض کارگران چندین روز است که ادامه دارد و خبر اعتراض باز تاب زیادی در شهر داشته است.

از طرف دیگر اعلام شده است که 320 کارگر شبنم هرمز در مقابل مرغداری هرمزگان تجمع کرده و خواهان دستمزدهای پرداخت نشده خود می باشند. این در حالیست که کارگران شرکت روشنگر در مشهد

در حال اجراء است. سیاستی که جز
تحمیل بیکاری، بیکاری،
دستمزدهای ناچیز و فقر و گرسنگی
بر کارگران نیست. این سیاست غیر
انسانی را باید با به میدان کشیدن
تمام کارگران و مزدبگیران ایران،
کارگران شاغل، بیکاران و جوانان
در هم شکست. چرا که بیکاری،
گرسنگی، عدم پرداخت دستمزدها،
دستمزدهای ناچیز تنها خبری است
که بدون سانسور در حکومت
اسلامی به همه خانه های کارگران و
مزد بگیران می رسد.

سازمان کارگران انقلابی ایران-
راه کارگر
29 سپتامبر 2003/7 مهر ماه 1382

چاپخانه های نور حکمت، آرمین و
پیشگامان، که همگی طرف قرار داد
روزنامه جام جم می باشند، به
تعطیلی کشیده شده و کارگران آن
بیکار شده اند. کارگران خواهان
بازگشت به کار و پرداخت فوری
دستمزدهای معوقه شان شده اند.

اعتراضات کارگری برای پرداخت
دستمزدهای معوقه و بازگشت به کار
در شرایطی ادامه دارد که سیاست
حکومت اسلامی دایر بر خصوصی
سازی صنایع و کارخانجات و
سیاست تعدیل اقتصادی با شدت تمام

در اعتراض به اخراج و عدم
پرداخت دستمزدهایشان در 6 ماهه
گذشته، در مقابل اداره کار شهر
مشهد دست به تجمع اعتراضی زده
و خواهان بازگشت به کار خود شده
اند.

خبرهای دیگر حاکیست که روز 6
مهر ماه، جمعی از کارگران چاپخانه
آرمین چاپ گستر در اعتراض به
تعویق 4 ماه حقوق و
دستمزدهایشان در مقابل دفتر
مرکزی این روزنامه دست به تجمعی
اعتراضی زدند. این اعتراض در
حالی انجام می شود که کارگران

راديو برابري

راديو برابري هر شب ساعت
هشت و نيم بوقت ايران (شش
عصر بوقت اروپاي غربي) بر
روي ماهواره با مشخصات زير
برنامه پخش مي كند:

Satellite: Hotbird
613East
Freq.12597 GHz
Transponder: 94
Symbol Rate :27500
Fec:3/4
CHannel :GBTS Feed ½
Right side of dual audio
channel

شما ميتوانيد برنامه هاي هر روز
را بصورت ضبط شده از طريق
شبكه جهاني اينترنت ، در آدرس
زير نيز گوش دهيد:

www.radiobarabari.net

با ما ارتباط بگيريد

arash@funtrivia.com

سر دبیر تک برگی

public@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

0049 -40 -6777819

تلفن عمومی سازمان

00 33-1-43455804

شماره فاکس سازمان

www.rahekargar.net

آدرس سایت راه کارگر

www.eteheadchap.com

آدرس سایت اتحاد چپ کارگری...

www.radiobarabari.net

آدرس سایت راديو برابري.....

آدرس صندوق پستی سازمان: BP 195 75563Paris cedex 12 France